

www.ketab.ir

عَسَل مَشَل بِهِ قِصَّه



نویسنده: سید محمد مهاجرانی
تصویرگر: مهدی صادقی



سرشناسه: مهاجرانی، سیدمحمد، ۱۳۳۸ -
عنوان و نام پدیدآور: غسل مثل یه قصه/ نویسنده سیدمحمد مهاجرانی؛
تصویرگر مهدی صادقی.

مشخصات نشر: قم: نشر جمال، ۱۳۰۰.
مشخصات ظاهری: ۹۶ ص.؛ مصور (رنگی).

شابک: ۳-۳۴۹-۲۲-۹۶۴-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیا
یادداشت: گروه سنی: ب، ج.

موضوع: داستان‌های کوتاه فارسی

موضوع: Short stories, Persian

موضوع: ضرب‌المثل‌های ایرانی -- داستان

موضوع: Proverbs, Iranian (Direct) -- Fiction

شناسه افزوده: صادقی، مهدی، ۱۳۶۰- شهرپور، تصویرگر

ردیف بندی دیوبنی: ۸۴۳

شماره کتابشناسی ملی: ۸۵۳۷۶۳۷



www.ketab.ir

غسل مثل یه قصه

نویسنده: سید محمد مهاجرانی
ویراستار: علیرضا سبحانی نسب
تصویرگر: مهدی صادقی
گرافیکست: محی‌الدین میرزایی
مدیر فنی چاپ: علی یوسفی
شمارگان: ۲۵۰۰ جلد
نوبت چاپ: بیست و یکم / ۱۴۰۳
چاپ: خاتم الانبیاء
صحافی: همت



نشر جمال
Jamal Publication

دفتر قم: ۰۲۵-۳۱۶۵۳

دفتر تهران: ۰۲۱-۶۶۴۸۷۱۱۸

پخش: پاتوق کتاب ۰۲۵-۳۱۰۷۷

تمامی حقوق این اثر برای نشر جمال محفوظ است.
هرگونه بهره‌برداری از این اثر، به اجازه ناشر نیاز دارد.



بسم الله الرحمن الرحيم

یادش بخیر! وقتی کودکی هفت هشت ساله بودم: کتابی در خانه داشتیم به نام «داستان‌های مثل‌ها»
هر داستان، درباره‌ی این بود که یک ضرب‌المثل چه جوری به وجود آمده است.

کبکش خروس می‌خواند!

دوستی خاله خرسه!

بادمجان بم آفت ندارد

در شب‌های سرد زمستان، زیر کرسی گرم، کنار مادر بزرگ می‌نشستم. اوّل داستان را من می‌خواندم. بقیه‌اش را او از حفظ می‌گفت! ضرب‌المثل‌ها، هم داستان‌شان شیرین بود هم خودشان! ضرب‌المثل‌ها چهار ویژگی غالب دارند: کوتاه، روان، جذاب و پرمغز! و به خاطر همین است که از صبا تا شب شاید هزاران سال پیش تاکنون ماندگار شده‌اند.

چهل و چهار سال بعد از آن روزهای شیرین کودکی، نمی‌دانم چی شد که به دلم افتاد باز سری به شهر ضرب‌المثل‌ها بزنم و برای‌شان داستان بنویسم. اول کمی دودل شدم و نزدیک بود بی‌خیال شوم که یکهو به خودم گفتم:

ای بابا! حالا که تو هم وقت داری و هم علاقه. شکر خدا سلامتی هم که برقرار است.

پس دست به قلم شو و به قول معروف «تا تنور داغ است، نان را بچسبان.»

بسم الله گفتم و کار را شروع کردم؛ ولی دیدم اووووووه! چند هزار ضرب‌المثل داریم! به خودم گفتم:



«چه طوری؟ و تا کی؟» برای این همه مَثَل، می‌خواهی داستان بنویسی؟

با کمی فکر و یک لبخند به خودم جواب دادم: معلوم است که نمی‌توانی؟
ولی خُب به قول معروف:

«آب دریا را اگر نتوان کشید، هم به قدر تشنگی باید چشید.»

چهل و چهار ضرب المثل انتخاب کردم و برای هر کدام داستانی نوشتم. و بعد تصمیم گرفتم نوشته‌هایم را به دوستان عزیزم، آقای «حیدری ابهری» و آقای «سبحانی سید» نشان بدهم و از آنان مشورت بخواهم؛ زیرا به قول معروف «سه کله بهتر از یک کله است.»

آقای حیدری ابهری سال‌ها با ضرب المثل‌ها زندگی کرده و چند کتاب ضرب المثل دارد. آقای سبحانی هم سال‌هاست که شناس کتاب کودک است و کلی کتاب کودک و شعر و قصه خوانده و ارزیابی کرده است.

به لطف خدا و با هم‌فکری دوستان، داستان‌ها تمام شد. آقای «صادقی» هم با تصویرهای تماشایی‌شان به کتاب صفا دادند

و آقای «میرزایی» هم با صفحه‌آرایی ابتکاری و مدیریت هنرمندانه‌شان، کار را تمام کردند و خیال ما را راحت!

«کار را که کرد؟ آن که تمام کرد!»

امیدوارم این «آشی که دسته‌جمعی برای تان پخته‌ایم.» دل چسب و خاطره‌انگیز باشد!

دوست همیشگی شما
سید محمد مهاجرانی

